# ریشه التهابات بازار خودرو در کجاست؟

قاسم رحمانی

بازار خودرو در دو سه ماه گذشته، دچار التهابات زیادی شده است. افزایش دو تا دوونیم برابری قیمت برخی خودروها در کنار احتکار این کالا از سوی سودجویان و حتی دپو هزاران خودرو در پارکینگ کارخانه‌های تولیدکننده به بهانه نداشتن قطعه، فضای روانی نگران‌کننده‌ای ایجاد کرده است.

با اینکه قیمت کارخانه‌ای خودرویی چون پراید با افزایش حدود ۱۳ درصدی به ۲۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسیده اما در بازار صحبت از نرخ ۵۰ میلیون تومانی برای این خودرو بود. هر چند قیمت این خودرو در حال حاضر بین ۳۲ تا ۳۶ میلیون تومان در نوسان است. تفاوت قیمت دناپلاس از کارخانه تا بازار به ۵۰ میلیون تومان(دو برابر بهای کارخانه) و اختلاف نرخ رنو ساندرو به بیش از دو برابر رسید. وجود چنین اختلاف قیمتی بین کارخانه و بازار، شائبه‌هایی مبنی بر دست داشتن خودروسازان در بازار حاشیه‌ای بوجود آورد.

مسئولان وزارت صنعت، خودروسازان و انجمن‌ها و اتحادیه‌های خودرویی، انگشت اشاره را به سوی عنوان کلی دلالان و سودجویان گرفتند، بی‌آنکه بگویند آنها چگونه چنین قدرت و رانتی به دست آورده‌اند. با این‌حال رد پای برخی از همان‌ها که انگشت اشاره به سوی عنوان کلی و مبهم «دلالان» در التهابات بازار خودرو نمایان است.

یک کارشناس صنعت خودرو در این‌باره معتقد است عامل اصلی گرانی خودرو سوءمدیریت برخی مسئولان است که برهمین اساس بعضی افراد با سوءاستفاده از این سوءمدیریت، بازار حاشیه‌ای خودرو را ملتهب کرده و اجازه نمی‌دهند قیمت‌ها پایین بیاید.

ابوالفضل شجاعی در گفت‌وگو با کیهان درباره عامل افزایش سرسام آور قیمت خودرو اظهار می‌دارد: امسال قیمت کارخانه‌ای خودرو بویژه خودروهایی چون پراید و سمند حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد رشد داشته و تا پایان امسال همین نرخ‌هاست و سال آینده هم رشد قیمتی در همین حد است.

وی با انتقاد از اینکه خودروسازی‌ها در اختیار دولت است، می‌افزاید: متاسفانه نمی‌توان یقه خودروسازان را گرفت، چون دولتی هستند مثل پتروشیمی‌ها.

حمیدرضا فولادگر رئیس کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی مجلس هم می‌گوید: چهار نفر از پنج عضو هیئت‌مدیره ایران‌خودرو دولتی هستند و ما موافق حاکمیت دولت بر دو خودروساز بزرگ نیستیم.

البته شجاعی می‌گوید: التهاباتی که در زمینه رشد قیمت خودرو مشاهده می‌کنید مربوط به بازار حاشیه‌ای و کسانی است که خودروهای زیادی خریده‌اند و دسترسی‌هایی هم به رسانه‌ها دارند و جوسازی می‌کنند. واقعیت این است که معامله خودرو در حال حاضر بسیار کم است و آنچنان خرید و فروشی در بازار وجود ندارد، مگر بین دلالان.

این استاد دانشگاه، عامل اصلی گرانی خودرو را سوءمدیریت برخی مسئولان می‌داند و ادامه می‌دهد: برخی افراد با سوءاستفاده از رانت‌های اطلاعاتی، بازار حاشیه‌ای خودرو را ملتهب کرده‌اند و اجازه نمی‌دهند قیمت‌ها پایین بیاید.

شجاعی فرد اضافه می‌کند: این افراد به فکر انقلاب و کشور نیستند و فقط به خودشان فکر می‌کنند. ما درگیر جنگ اقتصادی هستیم اما بعضی از آنهایی که باید روی مین‌های اقتصادی بروند، خودشان به التهابات بازار حاشیه‌ای خودرو دامن می‌زنند. در دفاع مقدس فرزندان برخی مسئولان در کنار رزمندگان می‌جنگیدند اما الان بعضی افراد مشغول التهاب آفرینی در بازارهای مختلف هستند.

وی درباره نحوه تاثیرگذاری سودجویان بر بازار خودرو می‌گوید: عده‌ای در ازای ۱۰۰ هزار تومان، کارت ملی مردم را می‌خرند و پراید ۲۲ میلیون تومانی تحویل کارخانه را در بازار ۴۴ میلیون تومان یا بالاتر قیمت گذاری می‌کنند و آنگاه فروشنده نخود و لوبیا هم بر اساس همین افزایش قیمت‌ها، کالاهایش را گران‌تر عرضه می‌کند.

این استاد دانشگاه در پاسخ به این سؤال که چرا خودروسازان و نمایندگی‌هایشان، خودرو انبارکرده‌اند، اظهار می‌دارد: گران شدن خودروها پس از افزایش نرخ ارز، یک واقعیت را در خودروسازی‌ها برملا کرد. در گذشته خودروسازان ادعا می‌کردند که اکثر قطعات خودروها، داخلی سازی شده است اما الان معلوم شد که وارداتی بوده و تامین آن با افزایش نرخ ارز سخت شده و خودروسازان باید با قیمت‌های بالاتری این قطعه‌ها را وارد کنند. این مسئله موجب شده که خودروهای زیادی با نقص قطعه در پارکینگ کارخانه‌ها دپو شود.

شجاعی فرد ادامه می‌دهد: به عنوان مثال، ضبط صوتی که به عنوان ساخت ایران روی خودروها نصب می‌شود در چین تولید شده و همان‌جا رویش «ساخت ایران» را حک کرده‌اند.

وی درباره چگونگی جلوگیری از افزایش قیمت خودرو می‌گوید: قوه قضائیه و تعزیرات همان‌گونه که در بازار سکه و ارز ورود کرد باید با التهاب آفرینی در بازار خودرو نیز برخورد کرده و عاملان آنرا مجازات کند.

به هرحال واقعیت این است که در شرایط فعلی فاصله بسیار زیادی بین قیمت کارخانه و بازار خودرو به وجود آمده که به اذعان بسیاری از کارشناسان کاذب است و خیلی معامله بر روی این قیمتها صورت نمی‌گیرد ولی مردم از مسئولان انتظار دارند هر چه زودتر به این آشفته بازار پایان داده و با مدیریت صحیح تولید و عرضه خودرو متقاضیان واقعی را بیش از این سرگردان نکنند.

ضمنا دو خودروسازبزرگ کشور نیز بدانند درب همواره بر روی یک پاشنه نمی‌چرخد و این‌گونه نیست که تا ابد بتوانند هر طور دلشان خواست بازار را بچرخانند بلکه کافی است با یک تصمیم حاکمیتی اندکی از انحصارسایپا و ایران خودرو کاسته شود تا ببینند آیا بازهم می‌توانند قیمتهای نجومی خود را به مردم تحمیل کنند یا نه؟

# بازی دولت با آمارهای اشتغال

طبق گزارش فصلی مرکز آمار خالص اشتغال‌زایی سالانه دولت از تابستان سال ۹۲ تا تابستان ۹۶ یک میلیون و ۶۰۰ هزار شغل بوده است که تفاوتی یک میلیونی با آمارهای بیان شده توسط رئیس دولت دارد.

یکی از سوالات نمایندگان مجلس شورای اسلامی از حسن روحانی، در جلسه ۶ شهریورماه صحن علنی مجلس، «عدم اقدام شایسته دولت در خصوص کاهش نرخ بیکاری» بود. در پایان این جلسه، پاسخ رئیس‌جمهور درباره این سؤال، نمایندگان را راضی نکرد.

رئیس‌جمهور در پاسخ به این سؤال با تأکید بر اینکه در زمینه اشتغال موفقیت بسیار بزرگی داشتیم، گفت: «در زمینه بیکاری کارنامه دولت یازدهم و دوازدهم بسیار درخشان است... ۸۴ تا ۹۱ اشتغال خالص ما ۱۰ هزار نفر بوده است. در طول ۵ سال گذشته اشتغال خالص، ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بوده است...اگر دولت یازدهم و دوازدهم مثل دولت دهم و نهم در اشتغال کار می‌کرد، امروز رقم بیکاری به‌جای ۱۲ درصد، ۲۲ درصد بود. این هنر دولت یازدهم و دوازدهم است». درنهایت، قانع نشدن اکثریت قاطع نمایندگان مجلس (حدود ۷۳ درصد از ۲۷۲ نماینده حاضر در جلسه) از پاسخ‌های رئیس‌جمهور در این زمینه نشان داد که تفاوت وسیعی بین دیدگاه‌های مجلس و دولت درباره وضعیت اشتغال در دولت روحانی وجود دارد.

در واقع شرایط فعلی کشور کاملاً خلاف گفته‌های رئیس‌جمهور در مورد اشتغال‌زایی دولت یازدهم و دوازدهم بوده است. اگر بخواهیم دلایل این تفاوت عمیق را تشریح کنیم باید ابتدا به دو نکته دقت کنیم. اول اینکه روحانی آمار اشتغال‌زایی سال ۹۲ را در حاصل کار خود گنجانده است درحالی‌که دولت وی از تابستان ۹۲ شروع به کار کرده است. دوم اینکه بعضاً در آمارهای مدیران دولت فعلی آمار فصل‌های با اشتغال بیشتر به دلیل اشتغال فصلی با فصول با اشتغال‌زایی کمتر در دولت نهم و دهم مقایسه شده است. اگر بخواهیم آمارهای مرکز آمار را معیار قرار دهیم طبق گزارش فصلی خالص اشتغال‌زایی سالانه دولت از تابستان سال ۹۲ تا تابستان ۹۶ یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار شغل بوده است که تفاوتی یک میلیونی با آمارهای بیان شده توسط رئیس دولت دارد. در طرف دیگر ماجرا خالص اشتغال‌زایی سالانه دولت نهم و دهم معادل ۶۰۰ هزار شغل هست که با آمار ۱۰ هزارنفری روحانی تفاوت فاحشی دارد. گزارش‌های سالانه مرکز آمار هم نشان‌دهنده این موضوع است.

برطبق آمار سالانه مرکز آمار اشتغال‌زایی دولت فعلی از سال‌های ۹۲ تا ۹۶ تقریباً معادل ۲ میلیون نفر بوده است و خالص اشتغال‌زایی دولت نهم و دهم آماری معادل ۷۲۰ هزار شغل را دارد.

برای پی بردن به واقعیت در آمارهای مدیران دولت یازدهم و دوازدهم باید دو شاخص دیگر دنیای اشتغال را نیز بررسی کنیم. الف) نرخ بیکاری ب) جمعیت بیکار.

قبل از ذکر آمار نرخ بیکاری باید خاطرنشان کنم که بعد از سال ۸۹ جمعیت در سن اشتغال کشور سیر صعودی داشته است که خود مانعی برای کاهش نرخ بیکاری در کشور است. با وجود افزایش جمعیت در سن اشتغال نرخ بیکاری از ۱۱/۵ درصد در سال ۸۴ به ۱۰/۴ درصد در سال ۹۲ رسیده است؛ اما نرخ بیکاری در پنج سال اخیر به ۱۲/۱ درصد رسیده است. در شاخص دیگر که میزان جمعیت بیکار در جامعه است باز هم برتری با دولت نهم و دهم است. جمعیت بیکار در سال ۸۴ دو میلیون و ۶۷۵ هزار بوده که در سال ۹۲ به دو میلیون و ۴۸۸ هزار رسیده است. این آمار در سال ۹۶ معادل ۳ میلیون و ۲۱۰ هزار نفر است. نکته جالب در این بین نزولی بودن هر دو شاخص در دولت‌های نهم و دهم و صعودی بودن آن در پنج سال اخیر در عین افزایش جمعیت در سن اشتغال است.

تا به اینجا به‌صورت کمی به گفته‌های رئیس‌جمهور در صحن علنی مجلس پرداختیم. حال می‌خواهیم نگاهی کیفی به این گفته‌ها داشته باشیم. اولین معیار کیفی می‌تواند تأثیرپذیری اشتغال ایجاد شده از سیاست‌های دولت و در واقع ایجاد اشتغال کامل باشد. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی بیان کرده است که: «جنس اشتغال ایجاد شده طی ۳/۵ سال منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶، به‌خصوص در فصول مؤخرتر، از جنسی است که نمی‌توان آن را به سیاست‌های اقتصادی دولت، به‌ویژه سیاست‌هایی که با عنوان سیاست‌های اشتغال‌زایی یاد می‌شود نسبت داد... شواهد موجود نشان می‌دهد سیاست‌های دولت که عمدتاً بخش‌های شرکتی و بنگاه‌های متوسط و بزرگ را هدف قرار می‌دهد، بی‌ارتباط یا کم ارتباط با عملکرد بازار کار در ۱۴ فصل منتهی به زمستان سال ۱۳۹۶ بوده است».

آمار اشتغال ناقص که از ۸/۹ در سال ۹۲ به ۱۰/۴ در سال ۹۶ رسیده است، مهر تأییدی بر این ادعای مرکز پژوهش‌های مجلس است.

دومین معیاری که اشتغال‌زایی چند سال اخیر دولت را زیر سؤال می‌برد میزان اشتغال‌زایی برای مردان است. از کل اشتغال ایجادشده در سال‌های ۹۲ تا ۹۵، ۷۳۵ هزار سهم زنان و ۵۱۰ هزار سهم مردان بوده است. این برتری در اشتغال زنان به مردان حاکی از وضعیت نابسامان بازار است که کارفرمایان را برای پرداخت دستمزد کمتر به استخدام زنان هدایت می‌کند. بخش دیگری که نشان‌دهنده عدم تأثیرپذیری اشتغال چند سال اخیر از سیاست‌های دولت بوده است سهم ۹۰ درصدی بخش خدمات از اشتغال چند سال اخیر است که با توجه به طرح‌های اشتغال‌زایی دولت برای بخش صنعت نشان‌دهنده عدم تأثیرپذیری از سیاست‌های دولت روحانی هست.

شاید بهتر باشد مدیران محترم دولتی بجای آمار سازی‌های چند سال اخیر نواقص موجود در طرح‌های اشتغال‌زایی خود را رفع کنند که نه‌تنها موجب اشتغال‌زایی نشده بلکه اشتغال‌زایی بخشی مانند صنعت را در چند سال اخیر منفی کرده است.

**محمدرضا عرب مقدم**

# رسمیت بخشیدن به افزایش نرخ رشد تورم و گرانی!

در حالی که بسیاری از کشورهای جهان، نرخ رشد سالانه تورم را به کمتر از ۳٪ رسانده و کشورهایی مانند سوئد و سوئیس، هم‌اکنون تورم صفر درصد را تجربه می کنند، دولت ما هر سال با افزایش چند درصدی حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران و متقابلا، تایید و تصویب افزایش بعضا چند ده درصدی قیمت کالا و خدمات یا عوارض و مالیات و سایر موارد مشابه، به زعم خود تلاش می‌کند تا بین حقوق و دستمزد کارمندان و کارگران با گرانی و تورم افسارگسیخته، تعادل برقرار نماید.

این در حالی است که با این رویکرد و سیاست‌گذاری غلط و ناصواب، نه تنها هرگز به ثبات قیمت و تعادل درآمد و هزینه در جامعه نخواهیم رسید، بلکه استمرار این رویه سبب خواهد شد تا افزایش غیرمنطقی قیمت‌ها به یک روال رسمی و اجتناب‌ناپذیر تبدیل و ارزش پول ملی همواره با کاهش مواجه شود.

در واقع دولت به جای آنکه در اندیشه ثبات قیمت‌ها و ایجاد تعادل منطقی بین درآمد مردم با نرخ کالا و خدمات باشد، ساده‌ترین و آسانترین روش یعنی افزایش ناچیز حقوق و دستمزد را برگزیده و همزمان با تأیید و تصویب افزایش مستمر و غیرمنطقی قیمت کالا و خدمات در هر سال، به یک روش غلط و چالش‌آفرین یعنی رشد غیرمنطقی نرخ تورم و گرانی رسمیت بخشیده است.

به همین دلیل، اکنون بار دیگر این پرسش مطرح است که؛ این مسابقه بیهوده و نابرابر بین افزایش حقوق و دستمزد با گرانی و تورم، تا کی و تا کجا ادامه خواهد یافت؟ البته حتما در این رابطه توطئه‌های خارجی مثل تحریم و تهدید، سوءاستفاده افراد فرصت‌طلب و کارشکنی افراد نفوذی یا نالایق، بالا بودن هزینه تولید در ایران، ضعف فرهنگی و آموزشی، ضعف نظارتی و کنترلی و امثال آن در بروز این نابسامانی‌ها موثر بوده است.

با این حال قطعا افزایش نامعقول قیمت‌ها و حتی حقوق و دستمزدها، بهترین گزینه و تنها راهکار برای حل مشکل نیست، بلکه باید ریشه‌ها و علل اصلی این معضل را مشخص و با رفع آنها، زمینه را برای کاهش نرخ تورم سالانه(تورمی که در روزهای اخیر ماهانه و روزانه و بلکه ساعتی رشد می‌کند) و تثبیت قیمت‌ها فراهم نمود.

بدیهی است که تداوم این روند در آینده می‌تواند نظام اقتصادی کشور را با تهدیدات جدی‌تری مواجه نموده و به یک چالش لاینحل تبدیل شود، لذا از مسئولین فعلی و جدید بخش اقتصادی کشور انتظار می‌رود، رفع این مشکل(یعنی عدم ثبات قیمت‌ها) را در اولویت کارهای خود قرار دهند.

**احمدرضا هدایتی**

# نمایشی برای تصاحب ماشین‌سازی تبریز

کارخانه ماشین‌سازی تبریز به عنوان یکی از صنایع مادر کشور با فناوری و آموزش‌های کارشناسان چکسلواکی سابق در سال ۱۳۴۵ بنیان نهاده شد. بانی ورود این صنعت به تبریز؛ مهندس توکلی بود که با راه‌اندازی این کارخانه و ارائه آموزش‌های فنی در آن، مرکز استان آذربایجان شرقی را به قطب صنعتی پرقدرت کشور تبدیل کرد.

با این حال، مدیران بی‌کفایت و کالای خارجی مثل دو ویروس به جان ماشین‌سازی افتادند. دوران دست‌اندازی به این شرکت فرا رسید و کوتوله‌های وابسته به مردان پشت‌پرده، این کارخانه را به نابودی کشاندند. ماشین‌سازی که مجهز به ماشین‌آلات دقیق، فناوری، نیروی انسانی کارآمد، مرکز آموزش سطح بالا و مشتری‌های پر و پاقرص بود در اختیار کسانی قرار گرفت که از هیچ تلاشی برای حفظ صندلی خود دریغ نمی‌کردند مدیرانی که بعضا کارخانه ماشین‌سازی تبریز را به ورشکستگی کشاندند.

پروژه اولین خودروی ملی یعنی لیفتراک سهند بعد از نهایی شدن به آنجا رسید که لیفتراک کره‌ای وارد شد که در مقابل نوع ایرانی خود ضعیف و نامرغوب بود. مشکل از آنجا شروع شد که مدیرعامل، نمایندگی لیفتراک خارجی را اخذ کرده و سرنوشت کارخانه را به اینجا رساند.

همه این کارشکنی‌ها برای فروش ارزان‌قیمت ماشین سازی تبریز انجام می‌شد. کارخانه‌ای که یک مجتمع مسکونی ۴۰۰ واحدی به ارزش چند صدمیلیارد تومان با بیش از ده باب مغازه و یک مهدکودک دارد اما ۱۴ سال است که خالی از سکنه شده و حتی اجاره هم داده نشده تا درآمدی برای کارخانه ایجاد کند. این مجتمع مسکونی دارای زمین‌های بازی، باشگاه، رستوران، سالن اجتماعات، ژنراتور برق اضطراری و تصفیه‌خانه فاضلاب است.

اکنون برای آنکه این خیانت‌ها به فراموشی سپرده شود یک بحث انحرافی مطرح شده که تیم فوتبال ماشین‌سازی در لیگ برتر بازی کند یا دسته یک؟ هیچ مقام مسئولی از سرنوشت ثروت‌های مادی و معنوی ماشین‌سازی تبریز صحبت نمی‌کند اما نمایشی با موضوع تیم فوتبال این کارخانه روی صحنه است، نمایشی برای تصاحب ماشین‌سازی از سوی جریان‌های مرموز. ماشین‌سازی زمانی احیا خواهد شد که تولید آن رونق بگیرد و الا تیم بدون کارخانه طنز سخیفی است که لبخند به لب نمی‌آورد.

خصوصی‌سازی تاراج نیست. باید کارخانه ماشین‌سازی تبریز را مدیریت کرد و به سوددهی رساند و به قیمت فروخت.

**ظفر حسن‌زاده تبریزی**

# علاقه‌مندان سرمایه‌گذاری در بورس بخوانند

خرید و فروش سهام در بورس تهران این روزها علاقه مندان بیشتری را به سمت خود جلب کرده و طیف وسیعی از مردم با شنیدن اخبار مداوم رشد شاخص بورس به فکرسرمایه‌گذاری در این بازارافتاده‌اند.

با ورود این گروه از سهامداران به بازار که به نظر می‌رسد اغلب آنها آگاهی چندانی از مفاهیم بورس ندارند بر آن شدیم تا نکاتی آموزشی را درباره بازار سرمایه یا همان بورس یادآور شویم.

واقعیت این است که بورس دارای سود و زیان بوده و اینگونه نیست که شما به عنوان یک سهامدار همواره بر مدار سود باشید مثل سپرده‌گذاران در بانک‌ها، بلکه شاید در مقطعی نه تنها هیچ سودی نمی‌کنید بلکه بخش اعظمی از سرمایه‌تان را هم از دست می‌دهید البته این مسئله بستگی زیادی به میزان اطلاع شما از کم و کیف فعالیت در بورس دارد. بنابراین برای حضور در بازار سهام باید آموزش‌های لازم را ببینید.

اما آنچه که در اینجا می‌خواهیم عرض کنیم اینکه اولا بورس قابلیت جذب سرمایه‌های اندک را هم دارد مثلا در حال حاضر حداقل سفارش در سامانه معاملات آنلاین کارگزاری‌ها ۱۰۰ هزار تومان است. پس کافی است حداقل ۱۰۰ هزار تومان داشته باشید و با درک درست از مفاهیم ریسک و بازدهی در بازار بورس فعالیت کنید.

ثانیا خرید سهام در بورس تهران در حال حاضر به صورت آنلاین و بدون نیاز به حضور در تالار بورس مقدور است. این کار به راحتی با پرکردن یک فرم در کارگزاری و دریافت کد بورسی انجام می‌شود.

اما اصل کار در بورس از اینجا به بعد شروع می‌شود یعنی دریافت کد بورسی چندان مهم نیست بلکه مهم دانستن مسائل خرید و فروش سهام است.

**بهترین سهام برای خرید**

بسیاری از افراد می‌پرسند، بهترین سهام برای خرید و سود کردن کدام است؟ کدام سهم را بخریم تا در مدت یک ماه سرمایه‌مان دوبرابر شود؟ در مورد پیشنهاد خرید سهام، خیلی از اشخاص صرفا به دنبال این هستند که بهترین سهام را خریداری کنند و سرمایه‌شان در کمترین زمان ممکن رشد چشمگیری کند. چنین افرادی، به احتمال قوی درصد زیادی از سرمایه‌شان را از دست می‌دهند چون معمولا گیر کلاهبردارها و شیپورچی‌هایی می‌افتند که در شبکه‌های مجازی و... مشغولند!

نکته اینجاست که هیچ فرمول جادویی برای انتخاب بهترین سهام بازار وجود ندارد، هرکس وعده سودهای بزرگ و رویایی بدون زحمت را به شما داد، بدانید به احتمال زیاد در حال فریب شماست.

سؤالاتی مثل بهترین سهام کدام است، واقعا جواب دقیقی ندارد زیرا سهام بیش از ۶۰۰ شرکت در بورس و فرابورس تهران معامله می‌شود. آیا کسی واقعا همه این شرکت‌ها را از همه لحاظ تحلیل و بررسی کرده که بتواند بهترین سهام را به شما معرفی کند؟

مورد بعد در مورد پیشنهاد سهام این است که مشخص نیست شما قصد دارید چقدر سرمایه برای خرید اختصاص دهید؟ هدف شما از خرید این سهام، بلندمدت است یا نوسان گیری؟ ریسک‌پذیری شما چقدر است و چقدر تحمل زیان را دارید؟

از همه اینها گذشته، تکلیف تغییر مداوم بازار چه می‌شود؟ بازار هر لحظه به سمت و سویی حرکت می‌کند و اگر بازار به سمتی برود که سهامی که چنددقیقه پیش مناسب خرید بود، همین الان هشدار فروش را صادر کند تکلیف چیست؟

کانال‌ها و سایت‌های غیرحرفه‌ای زیادی هستند که سیگنال خرید صادر می‌کنند و پیشنهاد سبد سهام می‌دهند اما شاید در واقع به دنبال فریب شما هستند بنابراین باید علم و آگاهی خود را از کم و کیف بازار و مسائل حاشیه‌ای آن بالا ببرید.

توصیه می‌شود به دنبال سیگنال خرید یا راهنمایی گرفتن از دیگران نباشید بلکه به پیشنهادات دیگران فقط به چشم شخصی آنها نگاه کنید و تصمیم نهایی برای خرید یا فروش سهام را خودتان اتخاذ کنید البته اگر حوصله این کارها را ندارید بهتر است یا قید سرمایه‌گذاری در بورس را بزنید یا اینکه حداقل بنا به توصیه مسئولان بورس در صندوق‌های سرمایه‌گذاری که ظاهرا افراد مطلعی در آنها مشغول به کار هستند سرمایه‌گذاری کنید.

به هرحال آنچه مسلم است اینکه بدون یادگیری به هیچ جا نخواهید رسید، ممکن است سود موقتی هم در بورس بدست آورید ولی این سود دائمی نخواهد بود و به احتمال قوی آن سود را هم در بازار از دست می‌دهید.

به جای اینکه به این فکر کنید چطور می‌توانم سرمایه‌ام را چندبرابر کنم، روی این مورد تمرکز کنید که چطور می‌توانم در بورس یک معامله‌گر حرفه‌ای شوم. وقتی یک معامله‌گر حرفه‌ای شدید، کسب سودهای خوب از بازار نیز برای شما عادی خواهد شد.

پس گام نخست یادگیری و بعد اقدام است.هیچ وقت برای خرید سهام عجله نکنید، بازار بورس همیشه با پستی و بلندی‌ها همراه است و هیچ وقت فرصت سود کردن از بین نخواهد رفت. بنابراین‌اشتباه است اگر تصور کنید با نخریدن سهام، فرصتی را از دست خواهید داد.

دقت داشته باشید که ورود به بازار سهام در فضای هیجانی چندان صحیح نیست و چه بسا پس از مدت کوتاهی شاهد فروکش کردن التهابات و در پی آن زیان سنگین خود خواهید بود بنابراین همواره سعی کنید زمانی را برای خرید سهام انتخاب کنید که جو بازار آرام و بدور از هیجان‌های زود گذر باشد.

**برای انتخاب بهترین سهام، چه چیزهایی باید فرا بگیریم؟**

قیمت سهام تابعی از عرضه و تقاضاست، وقتی تقاضا برای یک سهم به اندازه‌ای قوی باشد که بتواند بر عرضه (فروشندگان) غلبه کند، قیمت سهم رشد می‌کند و برعکس، زمانی که قدرت فروشندگان بیشتر و عرضه زیادتر از تقاضا است، قیمت سهم افت می‌کند.

بنابراین اگر بتوان میزان عرضه و تقاضا در بازار را دانست و آن را تاحدودی پیش‌بینی کرد، شانس موفقیت و یافتن بهترین سهام برای خرید افزایش می‌یابد. پیش‌بینی عرضه و تقاضا و جهت حرکت بازار با یک روش تحلیلی به نام تحلیل تکنیکال انجام می‌شود. افراد زیادی با تحلیل تکنیکال در بازار سعی می‌کنند مسیر آینده قیمت سهم را متوجه شوند. توجه کنید که در اینجا صحبت از احتمالات است و کسی نمی‌تواند به طور قطع بگوید که قیمت یک سهم افزایش می‌یابد و یا کاهش و تحلیل تکنیکال ابزاری در درست معامله‌گر است تا قوی‌ترین احتمال را تشخیص دهد.

نکته جالب این است که یک تحلیلگر تکنیکال، به هیچ عنوان به دنبال دلیل افزایش یا کاهش قیمت نیست، بلکه فقط به دنبال یافتن روندها، شکست‌های قیمت، نقاط حمایت و مقاومت است تا بتواند براساس آن، استراتژی معاملاتی خود را بچینند. یار و یاور معامله‌گری که با روش تحلیل تکنیکال سهام را برای خرید انتخاب می‌کند، فقط نمودار قیمت و حجم معاملات است تا ابزارهایی مانند اندیکاتورها را روی آن پیاده کند و تصمیم بگیرد که اکنون چه موقعیتی را باید اتخاذ کند: بخرد، بفروشد، سهم دیگری را بررسی کند یا اینکه به طور کلی باید منتظر بماند.

بنابراین توصیه دیگر است که تحلیل تکنیکال را فرا بگیرید.

نحوه یادگیری تکنیکال بیشتر به خود شما و سبک یادگیری‌تان بستگی دارد. برخی از افراد هستند که با کتاب‌ها و برنامه‌های خودآموز شروع می‌کنند، تحقیق می‌کنند و خودشان پس از تمرین و تکرار، چیزی را فرا می‌گیرند. ولی برخی دیگر نیاز به پرسش و پاسخ با یک مربی یا استاد را دارند و زیاد اهل نشستن و کتاب خواندن نیستند (گرچه برای یادگیری تکنیکال کتاب خواندن فعالیتی بسیار مهم است)

بنابراین با توجه به سبک یادگیری می‌توان از دوره‌های آموزشی، بسته‌هایی شامل DVD و جزوه، نرم‌افزارها، کتاب‌ها و یا حتی منابع موجود در اینترنت استفاده کرد.

برای یادگیری تحلیل سهام، می‌توانید از فایل‌های pdf رایگان شروع کنید. اوایل یادگیری، مسلما برخی عبارات و شکل‌ها و تعریف‌ها ممکن است برایتان نامفهوم و گیج‌کننده باشد که این طبیعی است. کم‌کم همه چیز برایتان آشنا خواهد شد.

**نکته مهم:** فراموش نکنید که در حین یادگیری، معاملات کوچکی (مثلا با ۵۰۰ هزار تومان) انجام دهید. چون صرفا خواندن کتاب و دیدن فیلم آموزشی هیچ کمکی به شما نمی‌کند و باید وارد معاملات شوید تا تجربه لازم را بدست آورید.